

بررسی عملی کردن عدالت در روی زمین

خداوند می فرماید : سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است.

در این حدیث دو نکته قابل توجه وجود دارد یکی تصریح به این که پس از حکومت اهل

حکومت دیگری وجود نخواهد داشت و دیگری این آنها به آیه شریفه « والعافیه للمتقین

» « از این استناد تفسیر آیه شریفه نیز به دست می آید و با تکیه بر آن گذشته از

حدیث آیه نیز می توان آخر بودن زمانی را گواهی دهد.

جالب این که این جمله از قرآن کریم قرار پایانی آیه ای است که در آغار آن چنین آمده

است:

إن الارض لله یورثها من یشاء من عباده

زمین از آن خداست و به هر کس از بندگان که بخواهد آن را به میراث می دهد .

همانگونه که می دانید این فراز از آیه نیز مربوط به حکومت حضرت مهدی (عج) است و

لذا تاییدی است بر این که فراز و العافیه للمتقین « هم مربوط به حکومت حضرت

مهدی (عج) است و با تفسیر معصوم (ع) مفهوم آن اینست که پس از دولت مهدوی

دولت دیگری وجود ندارد.

امام باقر می فرمایند:

وجدنا فی کتاب علی علیه السلام «إن الارض لله یورثها من یشا من عباده و العاقبه

للمتقین» انا و اهل بیته الذین اورثتنا الله الارض و نحن المتقون و الارض کلها لنا

در کتاب علی که بر او درود باد (در ذیل آیه) زمین از آن خداست و به هر کس از

بندگان که بخواهد آن را به میزاث میهد و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است

چنین یافتیم که:

من و اهل بیتم همان کسانی هستیم که خداوند زمین را به ما ارث می دهد و مائیم

پرهیزگاران و زمین تماما از آن ماست.

در حدیث دیگری از امام باقر (ع) که پیش از این فرازی از آن را نقل کردیم باز استشهاد

به آیه شریفه «والعاقبه للمتقین» وجود دارد:

دولتنا آخر الدول و لم بیت لهم دوله الا ملکوا قتلنا ... و هو قوال الله عز و جل و العاقبه

للمتقین.

دولت ما آخر دولت است و هیچ خاندان صاحب دولتی نیست مگر اینکه پیش از ما به

حکومت می رسد و پس از آن ما به حکومت می رسم! ... و این همان سخن خداوند است

که می فرماید سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است.

پیش از این گفتیم که فراز نخست حدیث اشاره دارد که هر صاحب ایده و نظریه ای قبل

از دولت اهل بیت (ع) به حکومت می رسد و سپس ایده امامت به حکومت می رسد حال

اگر این را اضافه کنیم که مراد از عافیت مفهوم زمانی است نتیجه می گیریم که دولت اهل بیت (ع) و یا به بیان دیگر دولت امام مهدی (ع) هم از نظر اندیشه ای و هم از نظر زمانی آخرین دولت است.

حال باید به این پرسش پرداخت که چرا این دولت آخرین دولت است؟

۳- چرا پس آخرین دولت

در برخی از روایاتی که در آنها مساله آخرین دولت بودن حکومت امام مهدی (ع) مطرح شده علت آن نیز تبیین شده است مثلاً امام باقر (ع) پس از آن که می فرماید دولت ما آخرین دولت است و پیش از آن همه صاحبان قدرت و اندیشه به حکومت می رسد در بیان علت آن می فرماید:

بقولوا اذا راوا سیرتنا : اذا ملکنا سرنا مثل سیره هولاء!

تا وقتی شیوه حکومت ما را دیدند بگویند اگر ما هم به حکومت می رسیدیم به شیوه اینان رفتار می کردیم.

همچنی امام صادق (ع) پس از آن که می فرمایند پس از برقراری دولت ما همه گروه ها به حکومت می رسد علت این تقدم و تاخر را چنین بیان می دارند:

حتى لا تقول قاتل : « انا لو ولینا لعدلنا » ثم يقول قائم بالحق و والعدل.

با کسی بگوید اگر ما هم به حکومت می رسیدیم به عدالت رفتار می کردیم پس از آن بر پا کننده حق و عدل قیام می کند .

از مجموع این دو حدیث چنین بر می آید که علت تاخر دولت امامت اتمام حجت تاریخی و عملی است باید برقراری عدالت جز به دست مردان عدالت و امامان معصوم ممکن نیست.

حقیقت در گرو توجه به این سه افراد است.

نخست عدالت مهمترین نیاز بشریت است و امور دیگری فرعی و غیر اصولی است سامان جامعه بشری به برقراری عدل و داد است و بدون آن نظام زندگی اجتماعی از هر می باشد.

دوم: اجرای عدالت نیاز به مردان عادل دارد هر دستی توان عدالت گستری ندارد .

عدالت گستری نیاز به مردانی دارد که معصوم و از هر گونه هوس به دور باشند مردان آلوده هوس به هوس رفتار می کنند نه به عدالت آن که به هوس رفتار می کند و پیرو هوای نفس خویش است توان اجرای عدالت را ندارد به همین جهت در اندیشه شیعی یکی از شرایط امامت عصمت است .

سوم: عدالت گستری نیاز به عدالت پذیری دارد بدون عدالت پذیری اجرای عدالت ممکن نیست اگر امام عدالت گستر وجود داشته باشد ولی امت عدالت پذیر وجود نداشته باشد عملیات عدالت گستری با شکست مواجه می شود.

با توجه به این سه امر یک بار مساله را مرور می کنیم چون عدالت مهمترین نیاز بشریت است خداوند هیچگاه زمین را بدون امام عدالات گستر نگذاشته است ولی از آنجا که حاکمیت عدالت گذشته از وجود امام عدالت گستر به عدالت پذیری ملت نیز نثار دارد سؤال این است که اگر پذیرش عدالت و تحمل عدالت و تحمل عدالت وجود نداشته باشد چه باید کرد؟ اولین اقدام احتجاج قوی است در این مرحله باید به روشنگری پرداخت و موفقیت پیش آمده را توضیح داد و عافیت راه برگزیده شده را روشن ساخت تا حجت وجود داشته باشد اگر این اقدام نتیجه ای نبخشد و مردم عدالت پذیر نشوند نوبت به گام دوم می رسد که «حجت عملی است» در این گام باید مردم آنچه را به آنها گفته شده است ولی نپذیرفته اند در عمل مشاهده کنند بن بست ها را ببینند و به تجربه دریابند که هیچ راهی برای تحقق عدالت جز راه امامت وجود ندارد به بیان دیگر اگر بشر راه خود را از راه امامت جدا ساخت و به هشدارها و اندرزهای امامان گوش نداد به خود واگذار می شود تا آنچه را درست می پندارد عمل کند و بپذیرد و در این راه دریابد که هیچکدام کلید عدالت نیست اگر بشر به تجربه دریابد که هیچ راهی به عدالت

ختم نمی شود و هیچ حاکمی توان اجرای عدالت را ندارد مدعیانی پیدا خواهند شد که راه و روش و هدف ما هم همین است و بدین سبب مردم را گمراه سازند ، اما اگر هر کس و هر صاحب عقیده ای و هر گروهی آنچه را دارد بیان کند و به اجرا در آورد و عملاً ثابت شود که توان اجرای عدالت را ندارد آنگاه وقتی دولت امامت شکل می گیرد هیچکس نیم گوید اگر ما هم می بودیم چنین می کردیم و چنین ادعایی از هیچ کس پذیرفته نمی شود و خریداری هم نخواهد داشت.

برای عینی شدن بحث می توان نگاهی به انواع حکومت های بشری و انواع ایده های بشری انداخت یادگاری دوره حکومت های سلطنتی مطلقه بود سپس حکومت های سلطنتی مشروطه مطرح شده بعد از آن جمهوری و دموکراسی مطرح شد این مسئله در حکومت های دینی نیز تجربه شده اند محل حاکمیت مسیحیت و کلیسا در قرون وسطی و (افراطیون مسیحی ، صهیونیستها) در اسرائیل، همچنین انواع ایده ها و نظریه های بشری ارائه شده اند مثل لیبرالیسم و کمونیسم البته بررسی دقیق این بحث با زاویه نگاه مطرح شده خود تحقیق مستقلی را می طلبد ولی آن چه مهم است این که هیچ کدام از نظام ها و ایده های بشری توان اداره عادلانه جوامع بشری و پاسخ قانع کننده به پرسش های بشر را ندارند.

این واقعیت تلخ پیش از این در کلمات معصومین اعلام شده بود اما بشر به این هشدارها و اندرزها اهمیتی نداد و با خیره سری راه پر مخاطره آزمون و خطا را انتخاب کرد و هزینه های سنگین بسیاری را پرداخت و هنوز هم یم پردازد و خواهد پرداخت همه ایده ها حاکمیت یافتند و در عمل به بشر ثابت شد که هیچ کدام توان اجرای عدالت را ندارند. در نهایت پس از شکست همه ایده های ممکن بشر با سرخوردگی و سرافکندگی در خواهد یافت که سعادت دنیا و آخرت او در اندیشه های آسمانی و نظام الهی است این مفهوم همان سخن امام باقر و امام صادق (ع) است که فرمودند باید در عمل ثابت شود که هیچکس توان اجرای عدالت را ندارد تا پس از آن عدالت گستر واقعی ظهور کند و زمین را پر از عدل و داد نماید پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده است.

و البته این تاسف و درد جانکاه بر سینه بشر خواهد ماند که می شد این آزمون و خطا انجام نشود و و بسیار زودتر از این بشر به عدالت دست یابد چه می شود که «خود کرده را تدبیر نیست»

شایان ذکر است که سخن باید هرگز به معنای کنار گذاشتن هرگونه تلاش و کوشش برای برقراری عدالت در عصر غیبت نیست که این خود اندیشه ای انحرافی و در تعارض با خواسته ائمه اهل بیت (ع) است بلکه به این معناست که هیچ دولتی اگر چه دولتی دینی نمی تواند و نباید ادعا کند که توان برقراری عدالت کامل را به طور مستقل و

منهای حاکمیت امام عصر(ع) دارد. بنابراین چنانکه از سیره قولی و عملی امام راحل (ره) نیز بر می آید مسلمانان باید در عصر غیبت هم خود عدالت گستری پیشه کنند و هم امیدوار به تحقق کامل عدالت به دست توانای امام مهدی (عج) باشند.

علت تنبیه خود آگاه شود اما در هر حال از حد اعتدال نباید خارج شد. زیرا افراط در آن آتش لجاجت را شعله ور می کند تنبیه نیز همچون امر به معروف و نهی از منکر مراحل نرم و آسان به مراتب سخت و خشن انتقال می یابد و در هر حال راه جبران خطا را نباید بست « هیبره» از فرمانداران امام اسیران بنی ناحیه را از فرمانده لشکر امام علیه السلام خرید و آزاد ساخت اما هنگامی که حضرت از او مطالبه غرامت کرد به شام گریخت امیرمومنان در این باره فرمود:

چکیده مطالب

هر کجا نگاه میکنی مسجدی به نام حضرت جمعیتی به نام حضرت ، ظهور و درخشش نام حضرت را همه جا می بینیم و حالت ظهور صغری را می بینیم ان شاء الله مقدمه ظهور کبری است.

دنیا امروز از ظلم بشری به ستوه آمده و قوانین بشری ناکارایی خود را نشان می دهد و مراکز جهانی به جای این که قسط و عدالت بیاورند بازی دست ظالمان و غاصبان دنیا می شوند .

بشر از ظلم و ستم خسته می شود و تشنه فریاد رسی از سوی خدا می شود و در آن زمان خدا این بزرگواری را ظاهر می کند و تشنگان عدل و عدالت مانند تشنگان در بیابان که آب دیده اند.

از هر سو به سوی حضرت می روند بعضی از منافقان و بعضی از ناآگاهان می گویند اگر قرار است بعد از پر شدن ظلم و جور در عالم عدل و داد پر شود پس چرا ما امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟ چرا جلوی ظلم ظالمان را بگیریم و چرا حکومت اسلامی را تشکیل دهیم.

نمی گوییم کمک به ظلم کنید بلکه جلوی ظلم را نگیرید تا دنیا پر از ظلم و فساد شود و آن گاه ظهورش انجام شود.

خداوند در قران مجید فرموده است من وعده می دهم به مومنانی که عمل صالح دارند

این ها را در پرتو سایه آن حضرت حکومت جهانی می دهد.

«اعتقاد به مهدی» تنها نشانگر یک باور اسلامی با رنگ خاص دینی نیست . بلکه افزودن

به آن ، عنوانی است برای خواسته ها و ارزوها ی همه انسان ها با کیش ها و مذاهب

گوناگون و هم چنین بازده الهام فطری مردم است که با همه اختلاف هاشان در عقیده و

مذهب دریافته اند که برای انسانیت در روی زمین «روز موعود» خواهد بود که با فرا

رسیدن آن، هدف نهایی و مقصد بزرگ رسالت های آسمانی تحقق می یابد و مسیر آن

که در طول تاریخ پر از فراز و نشیب و پرتگاه بوده و به دنبال رنجی بسیار هموار و

استواری لازم را می یابد.

انتظار آینده ای این چنین تنها در درون کسانی که با پذیرش ادیان، «جهان غیب» را

پذیرفته اند راه نیافته بلکه به دیگران نیز سرایت کرده است. تا آنجا که می توان انعکاس

چنین باوری را در مکتب هائی که جهت گیری اعتقادی شان با سر سختی وجود

«غیبت و موجودات غیبی» را نفی می کند دید.

دین نیز در عین حالی که به این احساس روحی همگانی استواری می بخشد با تاکید این

عقیده که زمین همانطور که از ظلم و بیداد پر شود از عدالت و دادگری آکنده خواهد

گشت»

به این احساس ارزش عینی بخشیده جهت فکری باورمندان به این اعتقاد را به سوی

«ایمانی به آینده راه» متوجه می سازد

از آنجا که اعتقاد به مهدی پیشینه ای دراز تر و دامنه ای گسترده تر از اسلام دارد

طبیعی است که مرزها اسلامی آن تمامی آرزوها و چشمداشت هائی را که از سپیده دم

تاریخ به این اعتقاد پیوسته در خویش جای داده و از آنچنان بار فرهنگی پر توانی

برخوردارش ساخته باشد و در برافروختن احساسات همه ستمکش ها و شکنجه دیده

های تاریخ و رهبری آنها به سوی عدل و داد قدرت بیشتری داشته باشد زیر اسلام

موضوع این اعتقاد را از محدوده «ذهن» به دنیای واقعیات آورده و آن را از آینده به حال

انتقال داده است . تا به جای باور داشتن و چشم دوختن به نجات دهنده ای که در آینده

ناشناخته و دور پدید می آید به رهایی بخشی ایمان داشته باشند که اکنون هست و

همانند دیگر منتظران چشم به راه رسیدن روز موعود و شرایطی است که به او امکان می

دهد تا به هدف بزرگ خود جامه عمل بپوشد.

تنها درمان دردهای بشریت رو آوردن به اسلامی است که در آن «امام زمان» به روشنی

مطرح می باشد و همه دعوت او و کوشش ها و خروش ها در جهت احیا تعالیم کتاب خدا

عترت پیامبر قرار گیرد و امام زمان (ع) با ظهور و حضور مستقیم در جامعه نور تابندگی

را در جهان از همه ی جهت ها روشن می کند و عدالت را در جهان گسترده خواهد کرد.

نتیجه گیری :

برای ما ایرانیان خواندن و دانستن چنین تاریخ از لحاظ دینی و نحوه سیاسی و علمی و ادبی و مذهبی و غیر آن بدیهی است که نهایت لزوم و ضرورت را خواهد داشت و برای هر ایرانی خواندن اینچنین تاریخ و دانستن آن لازم است.

آشنا نمودن بسیاری از پیغمبران را به این نکات لطیف امید است که برای این بنده در پیشگاه قرب آن بزرگوار خدمتی پسندیده بشمار آید و از آستانه بندگان نواز حضرتش به بهره مندی کامل سرافزار و مفتخر آییم.

اما زمان علیه السلام مظهر غیرت خدای هستند آن حضرت پناه بی پناهان و حاضر و ناظر در میان ما و مانند یکی از ما زندگی می کنند.

دین اسلام دین رسمی جهان شده بانگ توحید از همه جا بلند می گردد . در امور راه سازی برنامه های جالبی را به مرحله اجرا می گذراند . خود حضرت مهدی (عج) هم از دور، تمام حوادث و جریانات کشورهای زمین را زیر نظر دارد و تمام نقاط زمین ،برایش مانند کف دستی می گردد. اصحاب و یارانش نیز از فاصله های دور، وی را مشاهده می نمایند و با او تکلم می کنند.

هنگام قیام حضرت قائم (ع) خداوند ، اسلام را بر همه ادیان پیروز می کند.»

سخن آخر اینکه برای تشکیل حکومت واحد جهانی و چیره شدن بر تمام رژیمهای فاسد، ابزاری لازم است که عبارتند از : متکی بودن به یک قدرت نامحدود، احاطه علمی، بر کل هستی، قوانین جامعه و کامل، و مصونیت از لغزش و اشتباه ، که جملگی درباره حضرت مهدی (عج) صادق می باشد.

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن ، سخن خدا شنیدن

محدودیت ها :

۱- در دسترس نبودن کتابهای جدید

۲- دسترسی آسان به افراد صاحب نظران که بتواند در مقاله پژوهشی- یازی فایر

۳- محدود بودن زمان کامل نمودن مقاله

۴- در دسترس نبودن جا و یا مکانی که ثابت باشد برای بحث و گفتگو در مورد تحقیق

ما و پژوهش ها

۵- محدود بودن امکانات کامپیوتری برای تایپ این مقاله

۶- در دسترس قرار ندادن منابع جدید درباره این معصوم بزرگوار

پیشنهادها:

- ۱- در اختیار گذاشتن کتاب ها و جزوه هایی با انتشارات جدید.
- ۲- ایجاد مکانی برای بحث و گفتگویی با صاحب نظران.
- ۳- در اختیار گذاشتن زمان بیشتر برای جمع آوری و تنظیم نظرات دیگران.
- ۴- بوجود آوردن مکانی که دارای امکانات کامپیوتری باشد .
- ۵- در اختیار گذاشتن افراد صاحب نظر برای راهنمایی ما در این زمینه.

نیایش

ای مهدی ای حماسه جاوید؛

چشمهای همه پاکان به راهت فروهیخته تا تو از راه رسی

ای مهدی ای زورق نجات؛

جهان پر تلاطم است ، کشتیها همه در هم شکسته اند، جز سکان قلب شیفتگان که
چشم به سوی تو دوخته اند تا تو بیایی.

دلها همه به تیرگی گراییده، یتیمان همه تنهائند، تا که دست پر عطوفت تو بر سرها قرار
گیرد.

ای مهدی ای ساحل آرامش؛

دلهای باورمندان که تب و تاب است تا تو به پا خیزی.

وای مهدی ای صبح پیروزی؛

شب به دراز کشید و مردمان همه خفتند جز چشم پر التهاب یاران که قیام پر شکوه تو
را نظاره می کنند.

تو بیا تا شکوفه های امید دوباره بشکفند.

تو بیا تا کاسه های خون آلاله ها دوباره بخرند.

تو بیا تا بلبلان خوش الحان نغمه جان فزای روز پیروزی را سردهند.

و تو بیا تا که سبزه زاران طراوت نوبگیرند.

ای مهدی ای چشمه ساز فضیلت وای بلندای نیکی و ای صلاهی آزادی ز پرده برون آی
که جهان پر زغم شده.

ای مهدی ای دست توانای یزدان، ذوالفقار بر دست گیر که ستمگران مغرور شده اند.

ای مهدی ای خزانه دانش ایزدی، پرچم دانش را بر افزار که جهان و نادانی جهانگیر شده
است

ای مهدی ای چشم بیدار خدای منان کشتی انسانها به گل نشسته، تند باد توفنده روز
قیامت را به نجات بشریت بفرست .

ای مهدی، ای وارث علی (ع)، کاسه گدایی مردمان تهی مانده، دگر بار نگین پادشاهی به
مستمندان عطا کن.

ای مهدی ای وارث یوسف صدیق، نومیدی همه دلها را پر کرده روح امید در کالبد مرده
جهان بدم.

ای مهدی ای مسیحا دم، بیماری و درماندگی همه جا گیر شده، شفا و بهبودی بر
بیماران ارزانی کن.

ای مهدی ای وارث علوم رضوی، دانش حقیقی از قلبها رخت بر بسته، تو تشنه کامان
ناکام را سیراب کن.

وای مهدی ای بنده کرنشگر خدا، روح بندگی در جهان مرده، روح ایمان را دوباره در
دلها زنده کن.

ای خورشید تابناک تا به کی پرده نشینی ای ماه درخشنده شبهای تار تا به کی پس تک
ابرها پنهانی.

ای بهار دوران تا به کی خوار و خس ها مجلس آرای سبزه زاران اند.

و ای شمشیر آخته یزدان تا به کی نابکاران مطلق العنان اند.

آه ای قلم! چه می گویی؟! عنان سخن را بر گیر که او خود نیز چشم راه است.

ندای یار خواهی اش قرنهایت که به گوش می رسد، اما جز اندک نیکان دیگران اجانبش

نکرده اند، صدای پر طنین دعایش بر فرج و گشایش صدها سال است که از گوشه و کنار

بلند است، اما آمین گویان راست کردار کمیاب .

این نوای اوست که « کنار خانه توحید، د رلباسی ناشناس رب البیت را می خواند و

درخواست کند که: اللهم افخر لی ما وعدتني

خدایا آنچه را که به من وعده نمودی برسان

بیاییم با پیمان ولایت بر آستان ولایت مدارش، دست بیعت را بسویش دراز کنیم و با

مدد خواهی از حضرت حق ، زنگارهای پلیدی را از جان خویش بزدااییم و قب و جاتن را به

نپوشیدن کلمات گهر بار او و پدران پاکش صفا بخشیم و هر صبح و شام فرج حضرتش

را از خدای متعال مسئلت کنیم و همیشه این دعا را از صمیم جان زمزمه کنیم که:

اللهم عجل لولیک الفرج

بار الها در فرج و گشایش برای ولایت شتاب کن .

نامه ای به خورشید عالم

آن گاه می رفتی ، گفته بودی که روز جمعه خواهی آمد.

جمعه بوی تو را می دهد جمعه امید را پررنگ تر می کند. غروب جمعه که فرا می رسد
پشت همه درخت ها می شکند وقتی که می رفتی رمضان و محرم را با انگشتانت نشان
دادی و رفتی .

وقتی که رفتی مدینه در خود فرو رفت. محمد صلی الله علیه و آله غریبانه در میان شهر
و زنجیره های از حارسان ماند. بقیع غمگینانه تر از هر زمان در آرزوی گام های
نوازشگرت نشست .

گل دسته های ما در خیال سر دادن نام زیبایت در میانه طوفان بلاء ماند کلمه جایی
است که گفته اند با گل زیبا و دلنشین انا المهدی را از آن جا سر خواهی داد . چقدر
کعبه را دوست دارم، کعبه را که پشت تو را حکم می دارد.

خدایا تا به کی باید سال های غیبت بیایند و بروند و ما در این سرگشتگی بمانیم خدایا
ما زندانیان بزرگ غیبت می دانیم که این زندگی که این زندگی حقیقی ما نیست.

هنگامی که دلم می گیرد تیره و تار اتاقم فرو می روم . هنگامی که جلد دفترم که برایت
می نگارم از اشک چشمانم تر می شود.

ای کاش از افق می دیدم قامت همچو سرو مهدی را ای کاش از خلق می شنیدم صوت
دلنشین مهدی را ای کاش می دیدم آن زمانی را که جهان پر از نور و عدل او می شد.
ای کاش که لبهایم می بوسید خاک پای یوسف زهرا را ای کاش من هم می بوئیدم گل
سر سبد طه را .

همیشه منتظرت هستم بدون اینکه دست از نیایش و التماس و ذکر بردارم همیشه
انتظار فرجت مرا به صبحی دیگر و جمعه ای دیگر می رساند می دانم که می آیی، دیر یا
زود، ولی خدا کند که همین جمعه، صبح طلوع باشد، صبح فرج.

ای نام با صفای تو ورد زبان بیا

ای یادگار خاتم پیغمبران بیا

ای منجی یگانه عصر و زمان بیا

جان ها به لب رسیده ز هجران روی تو

پژمرده از فراغ تو پیرو جوان بیا

دنیا به زیر چکمه فرعونیان دهر

بهر نجات مردم کل جهان بیا

ظلم و فساد و جنگ و شری شعله می کشد

از بهر برقراری امن و امان بیا

از دل برون نمی روی ای عزیز

جانم فدای نام تو صاحب زمان بیا

من روز را به یاد تو، شب را سحر کنم

ای نام با صفای تو ورد زبان بیا

صدهزار تشنه و عاشق چو یگانه

همواره بیقرار تو ای مهربان بیا